

اگر دارد آن نقش چیست و چگونه متجلی می‌شود؟

— کتاب به عنوان مهمترین وسیله پرورش ذهن و فکر و گسترش علم و دانش و در واقع منبع تربیت و فرهنگ محسوب می‌شود. فرهنگ نوین بشری حاصل میراث گذشتگان است که به صورت مکتوب در لابه‌لای صفحات کتابها ضبط شده و در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شود. امروزه نقش کتابخانه عمومی به عنوان بخشی از نظام آموزشی و مرکز گردآوری و نشر دانش، مطالعات تفتنی و حرفه‌ای و به عنوان کانونی به منظور توسعه

• گذران اوقات فراغت در کتابخانه عمومی نتایج اخلاقی و تربیتی فراوان به دنبال دارد.

• ایجاد و توسعه کتابخانه‌های عمومی عاملی مؤثر برای تقابل با مفاسد اجتماعی محسوب می‌شود.

دانش و فرهنگ محرز شده است. واقعیت این است که کتابخانه عمومی در دگرگونی‌ها و تحولات و توسعه فرهنگی جوامع متمدنی نقشی بارز داشته است. این کتابخانه با تأمین فرصتها و امکانات برابر برای آحاد جامعه، آموختن مداوم را برای آنان میسر ساخته و بر غنای زندگی اجتماعی آنها می‌افزاید. امکان دسترسی آزاد همگان به مجموعه کتابخانه عمومی این فرصت را فراهم می‌آورد که فرهنگ جامعه به مدد ثمره استعدادها و تلاشهای افرادی که امکان بهره‌گیری از مجموعه آن را می‌یابند و بدینوسیله مطالعات خود را تکمیل کرده و استعدادهای خلاقه خود را بالا برده و به دانشی وسیع نایل می‌گردند، غنی‌تر شده و توسعه یابد. مشخصه عمده چنین جامعه‌ای سرزندگی، پویایی، خلاقیت، تقوا، و شکوفایی علمی و هنری آن خواهد بود، و در آن شرایطی فراهم خواهد آمد که آحاد جامعه از فرهنگ غنی آن الهام بگیرند و برآن اساس عمل کنند. تأثیر این غنا و توسعه فرهنگی در همه زمینه‌های مختلف زندگی از قبیل موازین اخلاقی، معتقدات مذهبی، هنر، علوم و فنون، آموزش و پرورش، اقتصاد و سیاست، عشق به طبیعت، حفظ محیط زیست، رعایت حقوق انسانی، مبارزه با زور و ستم و غیره تجلی خواهد داشت.

— برای ایجاد پیوند مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

— رشد و بالندگی کتابخانه‌های عمومی تا حد زیادی بستگی به سطح فرهنگ جامعه دارد. هر اندازه سطح علمی، آموزشی، هنری و اقتصادی جامعه بالا باشد، به همان نسبت کتابخانه‌ها در ترقی فرهنگی و اجتماعی جامعه عاملی مؤثر خواهند بود، و پیوندی مؤثر بین کتابخانه و توسعه فرهنگی به وجود خواهد آمد. از سوی

دیگر کتابخانه عمومی در صورتی می‌تواند به هدفهای خود جامعه عمل پوشاند که خدماتش با اوضاع اجتماعی و فرهنگی جامعه مطابقت داشته باشد. در واقع برای شکوفایی این کتابخانه‌ها ابتدا باید زمینه‌هایی مساعد وجود داشته باشد. قبل از هر چیز این حقیقت را باید در نظر داشت که لازمه تغذیه فکری افراد توسط کتابخانه عمومی، گسترش تعلیم و تربیت در سطح جامعه است. دیگر اینکه کتابخانه عمومی باید به جامعه خود شناسانده شود و افراد جامعه از خدمات آن آگاهی کافی داشته باشند. به عبارت دیگر کتابخانه باید به درون جامعه برود و با جامعه تماس نزدیک داشته باشد.

این واقعیت باید برای همگان روشن شود که با پیشرفت روزافزون علم و دانش، بخش عمده‌ای از آموخته‌های انسان در ظرف مدتی کوتاه منسوخ می‌شود. در چنین شرایطی تنها با برخورداری از اطلاعات جدیدی که توسط کتابخانه عمومی ارائه می‌شود می‌توان از این ضایعه جلوگیری کرد و این مهم تنها در صورتی جامعه عمل می‌پوشد که منابع کتابخانه عمومی مطابق با نیازهای آموزشی و فرهنگی مراجعان خاص آن گردآوری شود، سازمان یابد و در اختیار مراجعان قرار گیرد. نکته مهم دیگر اینکه از نظر کمیت نیز باید تعداد کتابخانه‌های عمومی کشور متناسب با جمعیت هر ناحیه افزایش یابد و ضعف کیفی و کمی نیروی انسانی آنها نیز با برنامه‌ریزی صحیح برطرف گردد. به عبارت دیگر به منظور برقراری پیوندی مؤثر بین کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی، گسترش کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

دکتر سید محمد خاتمی

رئیس کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

— به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟

— هر کتابخانه‌ای در درجه اول دسترسی به منابع مطالعه و تحقیق را آسان و کار مطالعه و تحقیق را شتابان می‌کند. بخصوص در جوامعی نظیر جامعه ما که فراهم آوردن همه آثار و کتب و منابع تحقیق به حد کافی برای اهل نظر و تحصیل دشوارتر است نقش کتابخانه‌های عمومی، نقش اساسی و کارساز است. گرچه حتی در جوامع مرفه نیز هیچ چیز و هیچ‌جا نمی‌تواند جای کتابخانه عمومی را پر کند.

فراتر از آنچه گفته شد، کتابخانه در جای اصلی خود باید راهنمایی مطمئن برای نحوه مطالعه نیز باشد. کتابداری در روزگار ما اگر نگوئیم یک علم، دست کم یک فن بسیار بااهمیتی است که روزه روز نیز توسعه و تکامل پیدا می‌کند، تا بهترین شیوه دسترسی به



در مورد امور انسانی و اجتماعی با کمال احتیاط و انصاف سخن گفت.

لازم است درباره اصل مفهوم توسعه هربحث کننده ای دست کم منظور خود را تا حد امکان روشن و بی ابهام بیان کنند، تا معلوم شود که از چه چیز و کدام حیث از زندگی انسان بحث خواهد شد. علاوه براین باید مشخص شود که آیا توسعه بطور عام مطلوب است. و اگر نیست کدام وجه آن را می طلبیم و در اینجا نیز باید معلوم شود که ملاک مطلوبیت چیست و میزان حکم کدام.

اینها مسائل دقیقی است که شرح و بحث تکمیل آن مجال دیگری را طلب می کند اما به اجمال می گوییم:

ممکن است توسعه فرهنگی را عبارت بدانیم از باسواد شدن همه افراد جامعه، بالا رفتن سطح دانش عمومی، فراهم آمدن زمینه

● کتابداری اگر به صورت درست و سنجیده در جامعه جریان داشته باشد دشواری انجام بسیاری از مقدمات را که یک محصل و یک محقق برای رسیدن به مطلب و مطلوب خود در کتاب دارد از دوش او برمی دارد.

دسترسی همه اصناف به اطلاعات مورد نیاز و در نتیجه بالا رفتن مهارت های آنان در انجام وظایف فردی و اجتماعی شان.

یا در مورد آموزش می توان توسعه را متناسب کردن آموزش با نیازهای اقتصادی و اجتماعی دورانی دانست که در آن بسر می بریم.

یا در عرصه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی توسعه را عبارت بدانیم از فراهم آوردن امکان دستیابی هرچه بیشتر افراد و اصناف جامعه به هنر و فعالیت های فرهنگی و هنری (چه تولید و چه مصرف) و نیز زمینه سازی برای رواج ورزش در سطحی گسترده و یا پر کردن اوقات فراغت جامعه (که از خواص زندگی شهری و ماشینی امروز است) به صورتی صحیح.

اینها همه در جای خود درست است، اما آیا توسعه این است؟ یا اینکه اگر اینها و امور دیگر سنجیده و درست مورد نظر و برنامه ریزی و عمل باشند، تازه وسایل رسیدن به اهداف توسعه را فراهم آورده ایم و اگر چنین است هدف توسعه که بسیار مهم است چیست؟

ما در جامعه ای بسر می بریم که انقلاب بزرگی در آن صورت گرفته است و به آیینی پای بندیم و می کوشیم تا این آیین را پایه نظم اجتماعی خود قرار دهیم. در این صورت باید پرسید که توسعه فرهنگی (و حتی توسعه به معنای عام آن) چه نسبتی با این آیین دارد، و در امر توسعه و هرگونه سیاست گذاری و برنامه ریزی، کدام تلقی از آئین مورد نظر ما است.

اگر تلقی های مختلفی از آیین وجود دارد — که دارد — از جمله

کتاب و مطالعه را برای اهل تحصیل و تحقیق مشخص و معرفی کند. کتابداری اگر به صورت درست و سنجیده در جامعه جریان داشته باشد دشواری انجام بسیاری از مقدمات را که یک محصل و یک محقق برای رسیدن به مطلب و مطلوب خود در کتاب دارد از دوش او برمی دارد. البته هنوز آنطور که باید و شاید در این زمینه پیشرفت لازم و کافی را نداشته ایم و همانطور که مشخص است مشکلات موجود سبب شده است که:

اولاً تعداد کتابخانه های عمومی ما کمتر از حدی باشد که نیاز کتابخوانان و کتاب خواهان جامعه ما ایجاب می کند.

ثانیاً آنچه هست نیز از حیث متصدیان ورزیده و کارداران و روش های کار با کمبودها و مضایق فراوانی روبرو باشد. هرچند که طی سالهای گذشته تلاشهای ارزنده ای در این باب صورت گرفته است. علاوه بر ایجاد، توسعه و تکامل بعضی کتابخانه های مهم و معتبر غیردولتی در ایران و خدمات ارزنده ای که کرده و می کنند خوشبختانه دبیرخانه کتابخانه های عمومی با برنامه ریزی درست و تلاش فراوان در جهت کسب امکاناتی فراتر از آنچه در بودجه کل کشور برای کتابخانه ها لحاظ شده است، توانسته است گامهای امیدوارکننده ای در این زمینه بردارد بطوریکه در مورد احداث کتابخانه کما از برنامه پنجساله اول پیش افتاده است و از لحاظ تجهیز و تقویت و تغذیه کتابخانه ها نیز پیشرفت درخور توجه داشته است که باید از مسؤولان محترم دبیرخانه و نیز افاضل مکرم عضو هیأت امنا تشکر کرد و نیز از نقش سازنده انجمنهای کتابخانه ها در تهران و شهرستانها قدردانی بعمل آورد.

اما با اینهمه، آنچه هست فاصله بسیار زیادی دارد با آنچه باید باشد بخصوص اگر شان فرهنگی انقلاب اسلامی را لحاظ کنیم. علاوه بر نقش و موقعیت تعریف شده یا مشهوری که کتابخانه عمومی باید داشته باشد وجود کتابخانه منشاء آثار و نتایج فرهنگی والایی است. مثلاً کتابخانه بطور طبیعی کانون تعارف اهل نظر و تبادل رأی اصحاب تحصیل و تحقیق و شکل گرفتن و توسعه حرکت های ارزنده علمی، فرهنگی، ادبی و هنری است.

به هر حال کتابخانه های عمومی را اگر مهمترین هسته های فکر و فرهنگ و رونق فرهنگی در جامعه ندانیم، دست کم یکی از مهمترین پایگاه های فرهنگی است.

— توسعه فرهنگی را چه تعریف می کنید؟

— اصطلاح «توسعه» از جمله اصطلاحاتی است که مفهومی متشابه دارد. البته نوع مفاهیم و موضوعاتی که با زندگی انسان و جامعه نسبت دارند از متشابهاتند و این امر، ناشی از پیچیدگی و رمزآمیز بودن هستی آدمی است و هر جا که انسان بعنوان موجودی صاحب اندیشه و اراده موضوع حکمی از احکام فلسفی و علمی و اخلاقی باشد با چنین پیچیدگی و ابهامی روبرو هستیم و داوریهایی بسته به دید داور و کننده نتایج متفاوت به بار می آورد. از این رو باید

فکری و هنری هستند و سوءتفاهم ندارند در فضایی مطمئن و شاداب در جریان بارور کردن حیات فکری و فرهنگی جامعه حضور و مشارکت داشته باشند. البته نباید از یاد ببریم که به هرصورت در صحنه فرهنگ نیز جایگاه فرهیختگان مؤمن جایگاه ویژه‌ای است و اهتمام به حضور فعال و سازنده آنان باید جدی گرفته شود اما از این واقعیت نیز غفلت نکنیم که حاضران در صحنه تنها مؤمنان نیستند بلکه برنامه‌ریزی درست برای رسیدن به اهداف شایسته توسعه فرهنگی باید چنان باشد که ضمن حرمت نهادن به همه صاحبان اندیشه و رأی، مؤمنان با توجه به امتیازهایی که جامعه انقلابی بطور طبیعی در اختیارشان گذاشته است (از جمله برخورداری از مزیت همدلی و هم‌زمانی بیشتر با اکثریت مردم) در عرصه رقابت خود را برتر نشان دهند و بالا بکشند.

در هر صورت مصونیت جز در سایه رونق سالم فرهنگی میسر نیست و البته رونق فرهنگ هم به طور طبیعی تبعات دارد که با توجه به نتایج مطلوبش باید تحمل شود.

— آیا کتابخانه عمومی نقشی در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر دارد آن نقش چیست و چگونه جلوه گرمی شود؟

در مورد همه آنچه به اجمال و بصورتی پراکنده مورد اشاره قرار گرفت، کتابخانه‌های عمومی نقش و جایگاه مهم و روشنی دارند و می‌توانند تأمین‌کننده مقاصد بالا و در نتیجه از جمله پایگاه‌های توسعه فرهنگی باشند.

ناگفته نماند که کتابخانه ظرف است و مظلوف آن بسیار اهمیت دارد و تولید آثار برتر و قوی و جذاب برعهده کتابخانه نیست هرچند که کتابخانه‌ای مجهز و پررونق می‌تواند کمک فراوانی به

مهمترین اهداف توسعه فرهنگی باید مشخص کردن آن تلقی از آیین باشد که می‌تواند و باید مبنای نظام ما باشد در غیر این صورت علاوه بر ابهام و تنش که پیش می‌آید چه بسا که تلقی‌های دیگری از دین که نسبتشان با انقلاب و حقوق مردم ضدیت و یا دست کم بی‌تفاوتی است و درد و درک زمان و مسائل انسانی روزگار را ندارند غلبه پیدا کنند.

البته به هیچ وجه مراد من این نیست که یک تلقی مجاز و بقیه ممنوع شوند. چنین امری علی‌رغم تصور ساده‌اندیشان اصلاً عملی نیست و تلاش برای اعمال چنین سیاستی نیز آثارشوم و انجام بسیار بدی دارد. بلکه مراد این است که تکلیف نظام و کسانی که عهده‌دار مسئولیت بخصوص در حوزه فرهنگ و اندیشه هستند روشن شود و طبعاً تکلیف مردم به صورت اهل فکر و ذکر.

از این گذشته ما در صدد استقرار درست نظام دینی هستیم و دین با حب و دلدادگی نسبتی استوار دارد ولی؟

اولاً یافتن و مشخص کردن متعلق دلدادگی بسیار مهم است و ثانیاً دلبستگی به مفاهیم دینی گرچه لازم است ولی قطعاً کافی نیست، بخصوص وقتی بخواهیم در دنیای واقعیات و خارجی یک نظام دینی را مستقر و استوار کنیم.

اصولاً اگر محبت و دلدادگی مسبوق یا همراه با اقتناع و سیرابی فکری نیست به آیین نباشد قابل دوام نیست بلکه مسأله این است که احیاناً با یک نسیم مخالف فروخواهد مردونه‌الی است که به محض تغییر مختصر اوضاع و شرایط خواهد خشکید.

دلدادگی به امری، هیجان‌انگیز و هیجان‌آفرین است و ایجاد هیجانات اجتماعی مطمئناً در براندازی یک نظام نامطلوب و حتی تأسیس نظام مطلوب و دفاع اولیه از آن لازم و مؤثر است ولی مطمئناً کافی نیست.

وقتی ما بر اساس آرمان و مفاهیم آرمانی نظامی را بنا کردیم بشدت نیازمند آن هستیم که جامعه را منطقاً نسبت به آن آرمان توجیه و قانع و در عمل کارایی آن را اثبات کنیم، و این خود از اهداف مهم توسعه فرهنگی است که کوچک و آسان هم نیست و مانع رسیدن به آن هم کم نیستند.

و نیز آیا هدف مهم فرهنگی جامعه ما در این مقطع (و همیشه) چیست؟ آیا جامعه نیازمند مصونیت نیست؟

در اثر انقلاب انرژی‌ها و نیروهای فراوانی آزاد شد و چشم‌انداز امیدبخشی پیش روی جامعه پدید آمد و توسعه فرهنگی در این صورت یعنی فراهم آوردن زمینه‌ای که همه این نیروها در جهت ساختن یک زندگی مناسب معنوی و مادی جریان یابد و جامعه نسبت به آفات و خطراتی که به هنگام فرو نشستن طبیعی هیجان انقلاب از درون و بیرون هجوم می‌آورند مصون بماند.

و مصونیت پایدار و واقعی در برخورد پیدا می‌شود و نه در پرهیز صرف که در روزگار ما به هیچ وجه امکان هم ندارد. باید همه کسانی که صاحب اندیشه و خلاقیت و مایه و سرمایه





تولید و تولیدکننده آثار علمی و ادبی و هنری باشد ولی توقع آثار مناسب و سیراب کننده روح تشنه جامعه بخصوص اهل فکر جوانان را باید از جاهای دیگر داشت.

نکته دیگری که در امر توسعه فرهنگی و نسبت آن با کتابخانه‌های عمومی درخور توجه است اینکه کتابخانه‌ها می‌توانند مهمترین واسطه میان ذهن جستجوگر و پژوهنده با جریان پر دامنه و گسترده علم و فرهنگ باشند که در جهان وجود دارد و از این

● ما در صدد استقرار درست نظام دینی هستیم و دین با حب و دلدادگی نسبتی استوار دارد.

● باید سنت‌های ارزنده وقف و انفاق و خیرات و میراث به سوی ایجاد مراکز فرهنگی و اجتماعی از جمله کتابخانه سوق داده شود.

نقطه نظر باید کتابخانه‌ها را بصورتی ایجاد و اداره کرد که هرکس مطمئن‌ترین و ثروتمندترین کانون دانش و اطلاعات را در آنجا بیابد و برای برآوردن نیازهای فکری خود محتاج به روی آوردن به جاهای دیگر که احیاناً مضراتی هم دارد نباشد.

البته آنچه گفته شد از جمله منوط بر استقرار نظام ملی اطلاع‌رسانی در کشور است که متأسفانه جای خالی آن منشأ زبانها و مشکلات فراوان شده است. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی به استناد وظایف قانونی خود، پیگیری این مهم را از اساسی‌ترین وظایف خود می‌داند تا انشاء... ضمن تقویت همه مراکز هسته‌های تولید اطلاعات و اشاعه آن هم این مراکز و هم مردم بتوانند در چارچوب یک نظام مشخص و تعریف شده کار خود را انجام دهند و جلو بسیاری از تکرارها و مهمتر از آن، سردرگمی‌ها و بلا تکلیفی‌ها در آن صحنه گرفته شود.

— چه پیشنهادی برای ایجاد پیوند مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی دارید؟

— کتابخانه‌های عمومی نیز در جای خود وقتی که به یاری حق نظام ملی اطلاع‌رسانی شناخته و مستقر شد می‌توانند از جمله قوی‌ترین بازوهای این نظام و برآورنده نیازهای مطالعاتی، فکری و تحقیقی جامعه باشند.

به هرحال توسعه فرهنگی بدون ایجاد و گسترش و تقویت پایگاه‌های فرهنگی در جامعه، خیالی بیش نیست و کتابخانه همیشه و همه جا از مهمترین پایگاه‌های نشر دانش و فرهنگ و هنر و انتقال آنها و زمینه‌ساز آفرینش‌های فکری و علمی و ذوقی بود و خواهد بود.

آنچه را که در ختم مقال شایان ذکر می‌دانم این است که نباید در

باب توسعه و تقویت کمی و کیفی کتابخانه‌ها همه انتظارات از دولت باشد، گرچه دولت و نظام ملی نباید لحظه‌ای از خطرات مهیبی که در اثر عدم توجه به امور فرهنگی در برنامه ریزی و توسعه، و مجزا و مجرد کردن توسعه اقتصادی از توسعه فرهنگی در کمین جامعه است غافل بماند و طبعاً انشاء... نسبت بودجه فعالیت‌های فرهنگی و هنری با کل بودجه برنامه پنجساله دوم باید به نفع فرهنگ و دانش و آموزش و پژوهش تغییر جدی کند، زیرا آنچه در برنامه پنجساله اول بخصوص در فصل و بخش فرهنگ و هنر بود بسیار ناچیز و در برابر نیازها و ضرورت‌های موجود در جامعه ناکافی بود اما نمی‌توان همه بارها را در صحنه فرهنگ بردوش دولت گذاشت.

ایجاد کتابخانه عمومی و توسعه آن باید از اهم مصادیق خدمات شهری به حساب آید و باید سنت‌های ارزنده وقف و انفاق و خیرات و میراث به سوی ایجاد مراکز فرهنگی و اجتماعی از جمله کتابخانه سوق داده شود. این امور مورد توجه دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌ها و بعضی مراکز هم بوده است و نا آنجا که می‌دانم گام‌های درخور تقدیری برداشته شده است.

دکتر محمدحسین دنیانی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران (اهواز)

— به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟

— رسالت کتابخانه عمومی برقراری ارتباط مؤثر میان افراد جامعه و منابع مکتوب فرهنگی و علمی است به نحوی که افراد جامعه بتوانند با بهره‌وری مداوم از منابع به این مقاصد دست یابند: نگرش‌های مثبت اجتماعی، الگوهای مطلوب رفتاری، شرایط مناسب اقتصادی، ادراکات شایسته فرهنگی، کسب مهارت‌های مورد نیاز سنین و زمانهای مختلف و گذراندن پرمعنی و لذت بخش اوقات فراغت.

— توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟

— فرهنگ، تراکم اجتماعی تجربیاتی است که به وسیله آن مردمان هر نسل تمامی آنچه را که گذشتگان آنها در طول زمانی دراز آموخته‌اند، لااقل به طور بالقوه دارا هستند؛ یا مجموعه تجربیات، دانشها، ذوقیات، اندیشه‌ها، احتیاجات و روشهای زندگی یک ملت در طول زمان و در دوره‌های گوناگون شکست و پیروزی فرهنگ آن ملت نامیده می‌شود.

با توجه به این تعریف، عبارت توسعه فرهنگی دو مورد زیر را به ذهن می‌آورد:

الف. توسعه فرهنگی عبارت است از: تجهیز همه افراد جامعه، اگر نه به تمامی فرهنگ بومی بلکه به حد مطلوبی از فرهنگ بومی. به بیانی دیگر توسعه فرهنگی عبارت است از نشاء بذر فرهنگ بومی در تک تک افراد جامعه و تلاش در رشد و